

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

یکشنبه ۰۴ جون ۲۰۲۳

روانشاد پوهاند عبدالحی حبیبی

آیا البیرونی خراسانیست یا خوارزمی؟

قسمت دوم

بسکه بستند برو برگ و ساز

گر تو ببینی نشناسیش باز

اکنون بعد ازین روایات متضاد، که در باره نسبت بیرونی به شهری یا به روستایی، به کسره یا فتحه اول، و هم تمسیخ آن به نیرون وارد شده، سراغ این معضله را در کتب مابعد می یابیم بدینگونه :

بیرون و درون :

در وقایع جنگهای صوفیان با حکمرانان ماوراء النهر در قرن (۱۱) هنگامیکه از ناحیت نسا و ابیورد در شمال خراسان ذکری میروود از قلعه های درون و بیرون هم نامی برده میشود، مثلاً سکندر بیک ترکمان که عالم آرای عباسی را نوشته، در چندین جای ذکری از قلعه درون دارد در صفحه دوم عالم آرا چنین گوید : "حاجی محمد خان ولایت نسا و درون را از تصرف نورمحمد خان بیرون آورد) باز گوید : "کمر همت به تسخیر ولایت نسا و ابیورد و درون بست" جای دیگر می آرد : "او بما قات صاین خانی که در حدود نسا و درون و باغباد مسکن دارند". (تلخیص از نسخه خطی عالم آرای عباسی).

در مقابل این قلعه درون که در عالم آرا مکرراً مذکور است، قلعه بیرون هم واقع بود که خود همین سکندر بیگ منشی و محمد یوسف در ذیل عالم آرای عباسی ذکری از بیرون هم کرده اند، مثلاً در شرح احوال خراسان گوید : "...بقصد تسخیر ولایت مرو و نسا و درون و ابی رود به خراسان آمد (اسفندیار سلطان) و چند نفر از اعیان نسا و درون اظهار موافقت ایشان نموده و کس نزد ابو الغازی

سلطان (برادرش) فرستاده او را به آمدن آنها ترغیب نموده و عده قلعه برون دادند...". (ص ۲۰ ذیل عالم آرا - ۱).

در عباسنامه محمدطاهر قزوینی (حدود ۱۰۷۳ ق نیز همین قلعه درون که بین نسا و مرو واقع بود مکرراً نام برده میشود (ص ۲۱۰، ۲۰۳، ۳۱۹).

و در نامه عالم آرای محمدکاظم مروی هم بارها درون و نسا و ابیورد در جمله بلاد خراسان مذکور اند که نادرشاه افشار در آنجا با خوارزمیان مکاوحتها داشت و جزو خراسان شمرده می شد (ج ۲، ص ۱۳۷ و ۱۴۱ - ج ۳ ص ۶ و ۲۴۸). درین جا سوالی وارد می آید: که اگر مطابق ضبط خود بوریحان بیرونی به فتحه اول نام مؤلد او باشد پس ربطی به مفهوم خارج البلد ندارد در حالیکه در خراسان مقابل آن قلعه درون هم واقع بود؟

شاید علت این تقابل لغوی را هم شهرت کلمه بیرون فارسی از عصر سمعانی و جناس کامل آن با بیرون بفتح اول بدانیم، که در مقابل آن حصار مشهور شده به بیرون، بعداً قلعه درون را هم ساخته باشند.

این نواحی که بلاد درون و بیرون بین مرو و نسا در آن ذکر شده اند از عصر قدیم داخل ربع مرو و خراسان بودند، چنانچه خود البیرونی هم در قانون مسعودی آنرا اندر ناحیت های خراسان آورده ولی از نظر اداره و سیاست، گاهی مربوط به دولت خوارزم بوده اند و گاهی به دولت سامانیان یا غزنویان و غیره.

مثلاً در همین زمانی که بیرونی زندگی داشت، خود وی این نواحی را از نظر جغرافیایی در خراسان می شمرد، ولی بیهقی در تاریخ مسعودی تصریح دارد که در سنه ۴۰۷ ق وقتی که مردم خوارزم بر ابوالعباس مدمون بن مدمون باز پسین خوارزم شاه خاندان مدمون و داماد امیر سبکتگین شوی حره کالجی شوریدند و او را بکشتند "نسا و فراوه ایشان را بود" (ص ۹۱۸). سلطان محمود در همین سال (۴۰۷ ق) خوارزم را ضم سلطنت غزنویان کرد، و التونتاش حاجب یکی او سالاران غزنه را در آنجا خوارزم شاه گردانید، و بدین صورت تمام نواحی خوارزم و خراسان در قلمرو سلطنت وسیع محمودی در آمدند.

اکنون از اسناد تاریخی فوق استنتاج می کنیم:

۱. روایت اینکه بیرونی منسوب به روستای بیرون شهر خوارزم و بنابراین غریب شهر و خارج البلد است، چون خبر واحد است و همدران عصر یاقوت او را زعیم وطن شمرده، و ابن اثر بنا بر

همین علت حذف کرده و علی بیهقی هم در آن عصر بوجود بلده طیبه بنام بیرون و مؤلد و منشأ بوریحان قایل است بنا بر این ما نه میتوانیم، قول واحد سمعانی را بپذیریم.

۲. اینکه البیرونی را خوارزمی هم نوشته اند، به سببی است که بیرون و نواحی آن از قبیل مرو و نسا و فراوه و ابیورد در جوانی بوریحان در قلمرو خوارزمشاهی بودند، و بنا بر این نسبت ثانوی از مقوله تسمیه بفرد اکمل است.

۳. اصلاً بوریحان بیرونی است و بیرون در مقابل درون تقاسیم جغرافی تا قرن (۱۸) میلادی در خراسان شامل بود، و بنابراین مثلیکه هر مروی و نسوی و ابیوردی خراسانی است، بیرونی هم خراسانی است و او را خوارزمی گفته نمی توانیم)

۱ - ابوریحان البیرونی، مجموعه مقاله های سیمینار ابوریحان البیرونی، کابل ۱۳۵۲ ش، ص ۱۸-

.۲۶